

# تاریخچه و فلسفه شب یلدا

نویسنده: بهزاد محمدی



\* سپاه جاویدان \*

دیر زمانی است که مردمان ایرانی و بسیاری از جوامع دیگر، در آغاز فصل زمستان مراسمی را برپا می‌دارند که در میان اقوام گوناگون، نام‌ها و انگیزه‌های متفاوتی دارد. در ایران و سرزمین‌های هم‌فرهنگ مجاور، از شب آغاز زمستان با نام «شب چله» یا «شب یلدا» نام می‌برند که همزمان با شب انقلاب زمستانی است. به دلیل دقت گاهشماری ایرانی و انطباق کامل آن با تقویم طبیعی، همواره و در همه سال‌ها، انقلاب زمستانی برابر با شامگاه سی‌ام آذرماه و بامداد یکم دی‌ماه است.



هر چند امروزه برخی به اشتباه بر این گمانند که مراسم شب چله برای رفع نحوست بلندترین شب سال برگزار می‌شود؛ اما می‌دانیم که در باورهای کهن ایرانی هیچ روز و شبی، نحس و بد یمن شناخته نمی‌شده است. جشن شب چله، همچون بسیاری از آیین‌های ایرانی، ریشه در رویدادی کیهانی دارد.

خورشید در حرکت سالانه خود، در آخر پاییز به پایین‌ترین نقطه افق جنوب شرقی می‌رسد که موجب کوتاه شدن طول روز و افزایش زمان تاریکی شب می‌شود. اما از آغاز زمستان یا انقلاب زمستانی، خورشید دگرباره بسوی شمال شرقی باز می‌گردد که نتیجه آن افزایش روشنایی روز و کاهش شب است. به عبارت دیگر، در شش‌ماهه آغاز تابستان تا آغاز زمستان، در هر شبانه‌روز

خورشید اندکی پایین‌تر از محل پیشین خود در افق طلوع می‌کند تا در نهایت در آغاز زمستان به پایین‌ترین حد جنوبی خود با فاصله ۲۳/۵ درجه از شرق یا نقطه اعتدالین برسد. از این روز به بعد، مسیر جابجایی‌های طلوع خورشید معکوس شده و مجدداً بسوی بالا و نقطه انقلاب تابستانی باز می‌گردد. آغاز بازگردیدن خورشید بسوی شمال شرقی و افزایش طول روز، در اندیشه و باورهای مردم باستان به عنوان زمان زایش یا تولد دیگر باره خورشید دانسته می‌شد و آنرا گرامی و فرخنده می‌داشتند.

در گذشته، آیین‌هایی در این هنگام برگزار می‌شده است که یکی از آنها جشنی شبانه و بیداری تا بامداد و تماشای طلوع خورشید تازه متولد شده، بوده است. جشنی که از لازمه‌های آن، حضور کهنسالان و بزرگان خانواده، به نماد کهنسالی خورشید در پایان پاییز بوده است، و همچنین خوراکی‌های فراوان برای بیداری درازمدت که همچون انار و هندوانه و سنجد، به رنگ سرخ خورشید باشند.

بسیاری از ادیان نیز به شب چله مفهومی دینی دادند. در آیین میترا (و بعدها با نام کیش مهر)، نخستین روز زمستان به نام «خوره روز» (خورشید روز) روز تولد مهر و نخستین روز سال نو بشمار می‌آمده است و امروزه کارکرد خود را در تقویم میلادی که ادامه گاهشماری میترايي است و حدود چهارصد سال پس از مبدأ میلادی به وجود آمده؛ ادامه می‌دهد. فرقه‌های گوناگون عیسوی، با تفاوت‌هایی، زادروز مسیح را در یکی از روزهای نزدیک به انقلاب زمستانی می‌دانند و همچنین جشن سال نو و کریسمس را همچون تقویم کهن سیستانی در همین هنگام برگزار می‌کنند. به روایت بیرونی، مبدأ سالشماری تقویم کهن سیستانی از آغاز زمستان بوده و جالب اینکه نام نخستین ماه سال آنان نیز «گریست» بوده است. منسوب داشتن میلاد به میلاد مسیح، به قرون متأخرتر باز می‌گردد و پیش از آن، آنگونه که ابوریحان بیرونی در آثارالباقیه نقل کرده است، منظور از میلاد، میلاد مهر یا خورشید است. نامگذاری نخستین ماه زمستان و سال نو با نام «دی» به معنای دادار/خداوند از همان باورهای میترايي سرچشمه می‌گیرد.

نخستین روز زمستان در نزد خرم‌دینانی که پیرو مزدک، قهرمان بزرگ ملی ایران بوده‌اند، سخت گرامی و بزرگ دانسته می‌شد و از آن با نام «خرم روز» یاد می‌کرده و آیین‌هایی ویژه داشته‌اند. این مراسم و نیز سالشماری آغاز زمستانی هنوز در میان برخی اقوام دیده می‌شود که نمونه آن تقویم محلی پامیر و بدخشان (در شمال افغانستان و جنوب تاجیکستان) است.

همچنین در تقویم کهن ارمنیان نیز از نخستین ماه سال نو با نام «**ناواسارد**» یاد شده است که با واژه اوستایی «نوسرده» به معنای «سال نو» در پیوند است.

هر چند برگزاری مراسم شب چله و میلاد خورشید در سنت دینی زرتشتیان پذیرفته نشده است؛ اما خوشبختانه اخیراً آنان نیز می‌کوشند تا این مراسم را همچون دیگر ایرانیان برگزار کنند. البته در شبه تقویم نوظهوری که برخی زرتشتیان از آن استفاده می‌کنند و دارای سابقه تاریخی در ایران نیست، زمان شب چله با ۲۴ آذرماه مصادف می‌شود که نه با تقویم طبیعی انطباق دارد و نه با گاهشماری دقیق ایرانی و نه با گفتار ابوریحان بیرونی که از شب چله با نام «عید نود روز» یاد می‌کند. از آنرو که فاصله شب چله با نوروز، نود روز است.

امروزه می‌توان تولد خورشید را آنگونه که پیشینیان ما به نظاره می‌نشسته‌اند، تماشا کرد: در دوران باستان بناهایی برای سنجش رسیدن خورشید به مواضع سالانه و استخراج تقویم ساخته می‌شده که یکی از مهمترین آنها **چارتاقی نیاسر کاشان** است که فعلاً تنها بنای سالم باقی‌مانده در این زمینه در ایران است. پژوهش‌ها نشان می‌دهد که این بنا بگونه‌ای طراحی و ساخته شده است که می‌توان زمان رسیدن خورشید به برخی از مواضع سالانه و نیز نقطه انقلاب زمستانی و آغاز سال نو میتراپی را با دقت تماشا و تشخیص داد. چارتاقی نیاسر بنایی است که تولد خورشید به گونه‌ای ملموس و قابل تماشا در آن دیده می‌شود. این ویژگی را چارتاقی «**بازه هور**» در راه نیشابور به تربت حیدریه و در نزدیکی روستای رباط سفید، نیز دارا است که البته فعلاً دیواری نوساخته و الحاقی مانع از دیدار پرتوهای خورشید می‌شود. هر ساله مراسم دیدار طلوع و تولد خورشید در چارتاقی نیاسر، با حضور دوستداران باستان‌ستاره‌شناسی ایرانی و دیگر علاقه‌مندان، در شهر نیاسر کاشان برگزار می‌شود.

### حافظ در شب یلدا

معمولاً در شب یلدا رسم بر این است که صاحب‌خانه، دیوان حافظ را به بزرگتر فامیل که سواد دارد، می‌دهد. سپس هر یک از میهمانان نیت کرده و بزرگ مجلس، این جمله را می‌گوید و تفعلی به گنجینه حافظ می‌زند: «ای حافظ شیرازی / تو محرم هر رازی / بر ما نظر اندازی / قسم به قرآن مجیدی که در سینه داری...» یا هر چیزی شبیه به این. این رسم یکی از رسوم پرتطرفدار شب یلداست که امروزه با فن‌آوری روز نیز به‌روز شده. به طوری که در بعضی

خانواده‌ها به جای کتاب حافظ، از فال‌نامه، نرم‌افزار تفعل مجازی در رایانه، پایگاه‌های اینترنتی ویژه فال، نرم‌افزارهای ویژه تلفن همراه، سامانه پیام کوتاه یا پیامک و... برای انجام این رسم استفاده می‌کنند که سرگرمی خوبی برای خانواده‌ها در این شب بلند سال است.

## پیشینه جشن

یلدا و جشن‌هایی که در این شب برگزار می‌شود، یک سنت باستانی است و پیروان میترائیسم آن را از هزاران سال پیش در ایران برگزار می‌کرده‌اند. در این باور یلدا روز تولد خورشید و بعدها تولد میترا یا مهر است.

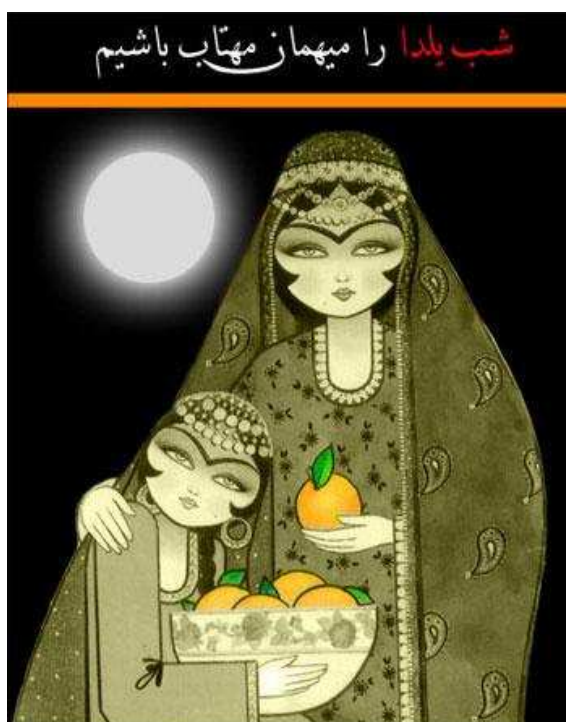
این جشن در ماه پارسی «دی» قرار دارد که نام آفریننده در زمان پیش از زرتشتیان بوده است که بعدها او به نام آفریننده نور معروف شد.

نور، روز و روشنایی خورشید، نشانه‌هایی از آفریدگار بود در حالی که شب، تاریکی و سرما نشانه‌هایی از اهریمن. مشاهده تغییرات مداوم شب و روز مردم را به این باور رسانده بود که شب و روز یا روشنایی و تاریکی در یک جنگ همیشگی به سر می‌برند. روزهای بلندتر روزهای پیروزی روشنایی بود، در حالی که روزهای کوتاه‌تر نشانه‌ای از غلبه تاریکی. یلدا برگرفته از واژه‌ای سریانی است و مفهوم آن « میلاد » است (زیرا برخی معتقدند که مسیح در این شب به دنیا آمد). ایرانیان باستان این شب را شب تولد الهه مهر «میترا» می‌پنداشتند و به همین دلیل این شب را جشن می‌گرفتند و گرد آتش جمع می‌شدند و شادمانه رقص و پایکوبی می‌کردند. آن گاه خوانی الوان می‌گسترده و « میزد » نثار می‌کردند. « میزد » نذری یا ولیمه‌ای بود غیر نوشیدنی، مانند گوشت و نان و شیرینی و حلوا، و در آیین‌های ایران باستان برای هر مراسم جشن و سرور آیینی، خوانی می‌گسترده که بر آن افزون بر آلات و ادوات نیایش، مانند آتشدان، عطردان، بخوردان، برسم و غیره، برآورده‌ها و فرآورده‌های خوردنی فصل و خوراک‌های گوناگون، از جمله خوراک مقدس و آیینی ویژه‌ای که آن را « میزد » می‌نامیدند، بر سفره جشن می‌نهادند. باوری بر این مبنا نیز بین مردم رایج بود که در شب یلدا، قارون (ثروتمند افسانه‌ای)، در جامه کهنه هیزم شکنان به در خانه‌ها می‌آید و به مردم هیزم می‌دهد، و این هیزم‌ها در صبح روز بعد از شب یلدا، به شمش زر تبدیل می‌شود، بنابراین، باورمندان به این باور، شب یلدا را تا صبح به انتظار از راه رسیدن هیزم شکن زربخش و هدیه هیزمین خود بیدار می‌ماندند و مراسم جشن و سرور و شادمانی بر پا می‌کردند.

شرق شناسان و مورخان متفق القولند که ایرانیان نزدیک به چند هزار سال است که شب یلدا آخرین شب پاییز و آذر ماه را که درازترین و تاریک ترین شب در طول سال است تا سپیده دم بیدار می مانند، در کنار یکدیگر خود را سرگرم می کنند تا اندوه غیبت خورشید و تاریکی و سردی روحیه آنان را تضعیف نکند و با به روشنی گراییدن آسمان (حصول اطمینان از بازگشت خورشید در پی یک شب طولانی و سیاه که تولد تازه آن عنوان شده است) به رختخواب روند و لختی بیاسایند.

## جشن یلدا در ایران امروز

جشن یلدا در ایران امروز نیز با گرد هم آمدن و شب‌نشینی اعضای خانواده و اقوام در کنار یکدیگر برگزار می‌شود. آیین شب یلدا یا شب چله، خوردن آجیل مخصوص، هندوانه، انار و شیرینی و میوه‌های گوناگون است که همه جنبه نمادی دارند و نشانه برکت، تندرستی، فراوانی و شادکامی هستند. در این شب هم مثل جشن تیرگان، فال گرفتن از کتاب حافظ مرسوم است. حاضران با انتخاب و شکستن گردو از روی پوکی و یا پری آن، آینده‌گویی می‌کنند.



## یلدای ایرانی، شبی که خورشید از نو زاده می‌شود

یلدا در افسانه‌ها و اسطوره‌های ایرانی حدیث میلاد عشق است که هر سال در «خرم روز» مکرر می‌شود.

ماه دلداده مهر است و این هر دو سر بر کار خود دارند که زمان کار ماه شب است و مهر روزها بر می‌آید. ماه بر آن است که سحرگاه، راه بر مهر ببندد و با او در آمیزد، اما همیشه در خواب می‌ماند و روز فرا می‌رسد که ماه را در آن راهی نیست. سرانجام ماه تدبیری می‌اندیشد و ستاره ای را اجیر می‌کند، ستاره ای که اگر به آسمان نگاه کنی همیشه کنار ماه قرار دارد و عاقبت نیمه شبی ستاره، ماه را بیدار می‌کند و خبر نزدیک شدن خورشید را به او می‌دهد. ماه به استقبال مهر می‌رود و راز دل می‌گوید و دلبری می‌کند و مهر را از رفتن باز می‌دارد. در چنین زمانی است که خورشید و ماه کار خود را فراموش می‌کنند و عاشقی پیشه می‌کنند و مهر دیر بر می‌آید و این شب، «یلدا» نام می‌گیرد. از آن زمان هر سال مهر و ماه تنها یک شب به دیدار یکدیگر می‌رسند و هر سال را فقط یک شب بلند و سیاه و طولانی است که همانا شب یلداست.

در زمان **ابوریحان بیرونی** به دی ماه، «خور ماه» (خورشید ماه) نیز می‌گفتند که نخستین روز آن خرم روز نام داشت و ماهی بود که آیین‌های بسیاری در آن برگزار می‌شد. از آن جا که خرم روز، نخستین روز دی ماه، بلندترین شب سال را پشت سر دارد پیوند آن با خورشید معنایی ژرف می‌یابد. از پس بلندترین شب سال که یلدا نامیده می‌شود خورشید از نو زاده می‌شود و طبیعت دوباره آهنگ زندگی ساز می‌کند و خرمی جهان را فرا می‌گیرد. لازم به ذکر است یلدا در سرزمین‌های فلات ایران روسیه و دیگر کشورها با پیشینه ی تاریخی برگزار می‌شود.

شرق شناسان و مورخان متفق القولند که ایرانیان نزدیک به چند هزار سال است که شب یلدا آخرین شب پاییز و آذر ماه را که درازترین و تاریک ترین شب در طول سال است تا سپیده دم بیدار می‌مانند، در کنار یکدیگر خود را سرگرم می‌کنند تا اندوه غیبت خورشید و تاریکی و سردی روحیه آنان را تضعیف نکند و با به روشنی گراییدن آسمان (حصول اطمینان از بازگشت خورشید در پی یک شب طولانی و سیاه که تولد تازه آن عنوان شده است) به رختخواب روند و لختی بیاسایند.

مراسم شب یلدا از طریق ایران به قلمرو رومیان راه یافت و جشن ساتورن خوانده می شد. جشن ساتورن پس از مسیحی شدن رومی ها هم اعتبار خود را از دست نداد و ادامه یافت که در همان نخستین سده ی آزاد شدن پیروی از مسیحیت در میان رومیان، با تصویب رییس وقت کلیسا، کریسمس (مراسم میلاد مسیح) را قرار دادند که چهار روز و در سالهای کبیسه سه روز بیشتر از یلدا فاصله ندارد و مفهوم هر دو واژه هم یکی است. از آن پس این دو رویداد تقریباً با هم برگزار می شده اند.

آراستن سرو و کاج در کریسمس هم از ایران باستان اقتباس شده است. زیرا ایرانیان به دو درخت مخصوصاً سرو به چشم مظهر مقاومت در برابر تاریکی و سرما می نگریستند و در خور روز، در برابر سرو می ایستادند و عهد می کردند که تا سال بعد یک نهال سرو دیگر کشت کنند.

پیشتر، ایرانیان (مردم سراسر ایران زمین) روز پس از شب یلدا (یکم دی ماه)، خور روز و دی گان؛ می خواندند و به استراحت می پرداختند و تعطیل عمومی بود. در این روز عمدتاً به این لحاظ از کار دست می کشیدند که نمی خواستند احیاناً مرتکب بدی کردن شوند که میتراثیسم ارتکاب هر کار بد کوچک را در روز تولد خورشید گناهی بسیار بزرگ می شمرد.

آداب شب یلدا در طول زمان تغییر نکرده و ایرانیان در این شب، باقیمانده میوه هایی را که انبار کرده اند و خشکبار و تنقلات می خورند و دور هم گرد همزم افروخته و بخاری روشن می نشینند تا سپیده دم بشارت شکست تاریکی و ظلمت و آمدن روشنایی و گرمی (در ایران باستان، از میان نرفتن و زنده بودن خورشید که بدون آن حیات نخواهد بود) را بدهد، زیرا که به زعم آنان در این شب، تاریکی و سیاهی در اوج خود است.

واژه یلدا، از دوران ساسانیان که متمایل به به کارگیری خط (الفبای از راست به چپ) سریانی شده بودند به کار رفته است. یلدا - همان میلاد به معنای زایش - زاد روز یا تولد است که از آن زبان سامی وارد پارسی شده است. باید دانست که هنوز در بسیاری از نقاط ایران مخصوصاً در جنوب و جنوب خاوری برای نامیدن بلندترین شب سال، به جای شب یلدا از واژه مرکب شب چله (چهل روز مانده به جشن سده، شب سیاه و سرد) استفاده می شود.

خور روز (دی گان) - یکم دی ماه - در ایران باستان در عین حال روز برابری انسان ها بود. در این روز همگان از جمله شاه لباس ساده می پوشیدند تا یکسان به نظر آیند و کسی حق

دستور دادن به دیگری را نداشت و کارها داوطلبانه انجام می گرفت، نه تحت امر . در این روز جنگ کردن و خونریزی، حتی کشتن گوسفند و مرغ هم ممنوع بود . این موضوع را نیروهای متخاصم ایرانیان می دانستند و در جبهه ها رعایت می کردند و خونریزی موقتاً قطع می شد و بسیار دیده شده که همین قطع موقت جنگ، به صلح طولانی و صفا انجامیده بود.

[Behzad84\\_1981@yahoo.com](mailto:Behzad84_1981@yahoo.com)

برگرفته از وبلاگ سپاه جاویدان: <http://sepahe-javidan.blogfa.com>